



شعر آیینی نیازی به
خیال پردازی ندارد
محمد جواد غفورزاده

شماره پانزدهم + سهشنبه ۷ دی ۱۳۹۵ + ۲۷ ربیع الاول ۱۴۳۸

تصمیم هوشمندانه و تداوم
مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام)
حجت الاسلام
علی اصغر ظهیری



www.qudsonline.ir

چهارشنبه

ضمیمه هفتگی روزنامه **فکر** ویژه هیأت‌ها و محافل مذهبی

حسین سازور در گفت‌وگو با «چهارشنبه»:

به انقلابی‌ها نگوید تندرو





تولیت آستان قدس رضوی در مراسم یادبود شهدای مدافع حرم شهیدان، جهانی و هریری گفت: «فله کرامت انسان عبید واقعی بودن برای خداوند باری تعالی است و حقیقت علم از منظر امام صادق (علیه السلام) نیز همین است که هر کسی که عبید واقعی باشد، عالم تر است و بر این اساس کرامت اکتسابی انسان را به مقام عبودیت می‌رساند».



وقتی خدا مهر می‌زند

سوره بقره

«خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ / خدا بر دل‌ها و گوش‌های آنان مهر نهاده و بر چشم‌هایشان پرده‌ای افکنده و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست.» (آیه ۷ سوره بقره)

در آزمایشگاه مدرسه پاره‌ای از اعضای بدن انسان را به نمایش می‌گذاشتند. هم مغز بود و هم چشم و هم گوش اما نه مغز چیزی می‌فهمید و نه گوش چیزی می‌شنید و نه چشم چیزی می‌دید. وجود کافر هم درست همین‌گونه است. چشم دارد اما نمی‌بیند، گوش دارد اما نمی‌شنود، مغز دارد اما نمی‌فهمد. تو گویی خداوند ختم جلسه را اعلام کرده باشد و هر کدام از این سه راه خود را گرفته باشند. دیگر چنین چشمی اگر سنگی بر سر راهی ببیند بر نمی‌دارد، اگر گرهی ببیند نمی‌گشاید، ناله مظلومی را نمی‌شنود و نسبت به غصه‌های مردم بی‌تفاوت بوده و هیچ حقیقتی را درک نخواهد کرد.



تصمیم هوشمندانه و تداوم مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام)

حجت الاسلام علی اصغر ظهیری

نمی‌افتد تا زمانی که در کنار حوض کوثر بر من وارد می‌شوند. از امیرالمؤمنین (علیه السلام) گرفته تا ولی عصر (عج) تصمیمات عجیب و غریبی در زندگی داشتند که همه آنها برای حفظ اسلام و حفظ کبان مسلمانان محسوب می‌شد. یکی از زیباترین آنها در ماجرای صبر حضرت علی تجلی پیدا کرده. از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) قیام نکرد با اینکه صاحب ذولفقار بود؟ آن حضرت آياتی را در باره موسی بن عمران و بازگشت از کوه طور مطرح کرد که پس از بازگشت او مردم گوساله‌پرست شده بودند. وقتی حضرت موسی (علیه السلام) هارون را مؤاخذه کرد، هارون گفت ترسیدم مردم دچار افتراق شوند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) سکوت کرد تا مردم به اختلاف و افتراق نینفتند و جدایی و تشتت میان آنها ایجاد نشود. صبر آن حضرت از تصمیمات هوشمندانه‌ای بود که نشأت گرفته از وحی الهی بود. ماجرای صلح امام حسن (علیه السلام) هم یکی از این تصمیمات هوشمندانه است. وقتی رشید هجری که از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود پرسید چرا صلح کردید و باعث خواری شیعیان شدید، آن حضرت صراحتاً فرمود برای حفظ جان شیعیان این کار را کردم. برخی از اصحاب به امام حسن (علیه السلام) می‌گفتند ای کسی که باعث ذلت مؤمنین شدی! چرا صلح‌نامه را امضا کردی؟ آن حضرت فرمود اگر صلح نمی‌کردم کمترین خطری که مسلمانان را تهدید می‌کرد این بود که جان شیعیان به خطر می‌افتاد. از مواد مهمی که در متن صلح‌نامه آن حضرت ذکر شده، تداوم حکومت و به دست گرفتن قدرت است. در این مواد آمده که حسن بن علی (علیه السلام) زمامداری را به معاویه واگذار کرد مشروط بر اینکه معاویه طبق دستور قرآن و روش رسول الله (ص) عمل کند و بعد از معاویه خلافت از آن او باشد و از بدعت و ناسزاگویی نسبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) جلوگیری کند. امام حسن خطاب به اصحابش فرمود: «به خدا سوگند اگر با معاویه درگیر بشوم همین‌هایی که امروز مرا «مذلل المؤمنین» می‌خوانند پشت بخت گردن مرا می‌گیرند و به معاویه تسلیم می‌کنند. به خدا سوگند از آن روی کار را به او سپردم که یآوری نداشتم. اگر یاوران من در کنار بودند شبانه‌روز با او می‌جنگیدم تا خداوند میان ما و او حکم کند». امام حسن در پاسخ به اعتراض مالک بن زمره در رابطه با صلح با معاویه فرمود: «زمانی که دیدم جز عده‌ای این کار را ترک کردند، ترسیدم ریشه شما از زمین کنده شود. پس بر آن شدم تا برای دین روی زمین فریادگری باقی بماند». این جمله بسیار مهمی است که آن حضرت در این تصمیم هوشمندانه با صلح باعث نجات مردم، مسلمانان، شیعیان و مخصوصاً فریادگران دین روی زمین شد که نباید به سادگی از کنار آن گذشت. امام حسن (علیه السلام) در پاسخ فرد دیگری که به او اعتراض کرده بود، فرمود: «اگر صلح نمی‌کردم از شیعیان ما کسی نبود جز اینکه همه کشته می‌شدند». متأسفانه برخی از افراد کج‌فهم و بی‌معرفت تصورشان بر این است که امام مجتبی‌اهل جهاد نبود در حالی که این طور نیست. جهاد آن حضرت، سکوت و امضای صلح‌نامه بود. صلح با معاویه زمینه‌ساز ماجرای عظیم عاشورا را فراهم آورد. البته کسی نباید چنین تصویری داشته باشد که ائمه (علیهم السلام) از صلح کناره‌گیری می‌کردند و برای آن ماجرای عاشورا را به عنوان مصداق بیان کنند. ماجرای عاشورا تصمیم هوشمندانه‌ای بود که سیدالشهدا (علیه السلام) بعد از صلح امام حسن (علیه السلام) اتخاذ کرد. اگر کسی سوال کند این تصمیم چه آثار و برکاتی داشت، پاسخ آن واضح است. قطعاً اگر ماجرای عاشورا نبود، صلح امام مجتبی‌معنی پیدا نمی‌کرد و به نتیجه نمی‌رسید. اگر امام حسن به جای امام حسین بود قطعاً کربلای دیگری شکل می‌گرفت چراکه ذوات مقدسه همواره در زندگی‌شان از نداشتن یار رنج می‌بردند و در شرایط بسیار سختی زندگی می‌کردند. ادامه مظلومیت امیرالمؤمنین و امام حسن (علیهم السلام) را در ماجرای عاشورا می‌بینید. اوج این مظلومیت تا حضرت ولی عصر (عج) که در پس پرده غیبت به سر می‌برد همچنان تداوم دارد.

تصمیم در لغت به معنای عزم و اراده کردن برای شروع یک کار است. اهل بیت (علیهم السلام) به بشریت توصیه کرده‌اند تصمیماتی که برای زندگی‌تان اتخاذ می‌کنید باید توأم با یک جدیت ویژه باشد. امام صادق (علیه السلام) خطاب به سلیمان بن مهران فرمود وقتی بنده‌ای تصمیم به کاری می‌گیرد اگر این کار خیر باشد پروردگار متعال یک حسنه برای او می‌نویسد. حالا اگر این عزم و تصمیم به فعل کشیده شود و به کار درآید کمترین اثر آن این است که به ۱۰ حسنه افزایش می‌یابد اما در مقابل اگر بنده‌ای تصمیم به گناه گرفت، تا وقتی تصمیمش را در میدان عمل پیاده نکرده باشد برای او خطا و کار حرام ثبت نمی‌شود. تصمیم‌های پروردگار متعال مساوی است با اراده و اراده نیز با فعل او برابر است. همچنان که خداوند متعال تصمیم گرفت و اراده کرد روی زمین خلیفه‌ای بگمارد که همان ماجرای خلقت انسان است. یکسری از این تصمیمات و عزم‌هایی که چهارده معصوم (علیهم السلام) دارند از روی فرمانی است که خدا صادر کرده. مخصوصاً در هدایت مردم. خداوند متعال در سوره «الحاقه» خطاب به پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «گر از پیش خودت حکمی را وضع کنی من رگ حیات تو را قطع خواهیم کرد». این مسأله نشان می‌دهد که پیامبر از طرف خودش مجاز نبود حکمی را وضع کند. بنابراین تصمیمات مهمی که پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) در طول زندگی‌شان اتخاذ کردند بر گرفته از اراده پروردگار متعال بوده. یکی از این تصمیم‌ها، مسأله ابلاغ رسالت است. پروردگار متعال خطاب به پیامبر اکرم (ص) امر کرد که سه سال مخفیانه تبلیغ کند و سپس رسالت خودش را آشکار نماید. یکی از مهم‌ترین تصمیماتی که پیامبر اتخاذ کرد ماجرای معرفی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان امام امت و رهبر دینی بعد از خودش بود. پیامبر گرامی اسلام (ص) به عنوان آخرین وصیت خود فرمود قلم و کاغذ بیاورید تا چیزی را برای شما بیان کنم که باعث گمراهی‌تان نشود. قلم و کاغذ نیاوردند. پیامبر فرمود: «پتی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا، کتاب الله و عترتی اهل بیته و ائمتهم لئن فترقا حتی یردا علی الحوض». بین عترت و قرآن جدایی



حجت الاسلام علی اصغر ظهیری نویسنده و واعظ



وعظ جریان ساز، راهبر و هدایت کننده

مهدی عامری، طلبه و کارشناس رسانه

به نظر می‌رسد هنوز بهترین رسانه، منبر و ارتباط چهره به چهره با مردم است که در هیچ‌یک از فضاهای مجازی و ارتباطی این احساس و عواطف منتقل نمی‌شود چراکه منبر یک ارتباط دوسویه است و اصلاً نباید این بستر را یک ارتباط یک‌سویه فرض کرد. مخاطب آنجا سخنران را می‌بیند و سخنران بنا بر مخاطب‌شناسی و نیاز مخاطب، مباحث و صحبت‌های خودش را با در نظر گرفتن همه شرایط مطرح می‌کند. لذا منبر یکی از بهترین رسانه‌ها به شمار می‌رود. منتها باید مراقب باشیم که از این رسانه با توجه به رقاباتی همچون فضای مجازی و تلویزیون بهره لازم را ببریم تا کم‌کم با برقیب باقی بمانیم و رقبات رسانه‌ای با جذابیت‌های ظاهری نتوانند جای منبر را بگیرند. اگر سخنرانی‌های جذاب و پرمحتوا فراگیر شوند مردم از این فضاها بیشتر استقبال می‌کنند. طبیعتاً یکی از کارکردهای منبر، تربیت اخلاقی، ارتقای اخلاق و ادب و آداب اسلامی مردم است. از گذشته منبر را به عنوان مجلس وعظ نام می‌بردند و نباید این بخش مغفول باقی بماند. زیرا در دنیایی که دشمن با هر حربی‌ای سعی در به زانو درآوردن جوانان ما در میدان جنگ نرم دارد، باید از منبر استفاده حداکثری کرد. استفاده حداکثری از منبر یعنی اینکه ما بدانیم امروز مخاطبمان به چه چیزی نیاز دارد. به تعبیر مقام معظم رهبری این نوع منبری‌ها هیچ تفاوتی با منبرهای زمان رژیم ستمشاهی ندارند. منبری‌های ما باید انقلابی سخن بگویند و وعظ جهانی داشته باشند و به واسطه آنها باید مردم انقلابی پرورش پیدا کنند. علاوه بر این باید در منبرهایشان نقد درست و دلسوزانه نسبت به حاکمیت داشته باشند. وقتی مردم ببینند منبری‌ها تنها از نظام اسلامی حمایت می‌کنند و اصلاً به شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم توجه ندارند آن استفاده به حداقل می‌رسد. منبری‌های ما وظیفه دارند با مسایل روز جلو بروند و به موقع نسبت به خطاها و روش‌های اشتباه مسؤولان توصیه داشته باشند. در این صورت مردم به آنها اطمینان بیشتری پیدا می‌کنند. منبری‌های ما باید بتوانند راهکارهایی را برای حل مشکلات اجتماعی و خانوادگی بیابند و به شبهات مختلف پاسخ دهند و بدانند که امروز با وجود ابزارها و امکانات ارتباطی جدید رقباتی قوی‌تری دارند و شرط سبقت از این تجهیزات است که در برخی اوقات زمینه‌های انحراف را نیز فراهم می‌آورد ارتقای سطح علمی منبری‌هاست.



حجت‌الاسلام سیدحسین مؤمنی با انتقاد از صداوسیما گفت: «من یکبار به آقای نسبت به برنامه‌اش انتقاد کردم. گفتم این برنامه فلان مشکل را دارد. برگشت به من گفت می‌خواهی در تلویزیون شما را نشان بدهیم؟! اظهار نظر ما هیچ تأثیری ندارد. مطلقاً تأثیر ندارد مگر اینکه اجماعی صورت بگیرد و اتفاقی بیفتد.»

بدان کبریا



کارش دلیل داشته. چون وقتی علامت و نخل وارد تکیه می‌شود و دور می‌چرخد اگر ستون وجود داشته باشد این کار میسر نیست. در سقف این تالار هم تیر آهنی به کار نرفته و آجرها با ساروج در کنار هم قرار گرفته‌اند.

مؤذن خوش لهجه دولاب

کربلایی کاظم متبحری معتمد محله دولاب بود و ۷۰ سال روی مناره مسجد دولاب اذان می‌گفت. او از همان دوران کودکی در تکیه چال حضور پیدا کرد و پرورش یافت و بعد هم خودش خدمتگزار این خیمه شد. حاج جواد متبحری می‌گوید: «به پدر بزرگم «کل کاظم» می‌گفتند. او صدای رسایی داشت و وقتی اذان می‌گفت صدایش به همه جا می‌رسید. آن موقع رادیویی در کار نبود و از طریق اذان پدر بزرگم مردم محل زمان را می‌فهمیدند.»

هیچ آرزویی ندارم

شیخ اکبر متبحری پسر بزرگ خانواده، بعد از کربلایی کاظم مؤذن دولاب بود. او خادم این تکیه بود و از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۳ زحمات زیادی کشید. شیخ اکبر پدر شهید جعفر متبحری است. گویا او دو سال بعد از شهادت پسرش به سفر حج می‌رود و در مدینه پشت قبرستان بقیع خطاب به خدا می‌گوید تنها یک پسر داشتم که آن را در راه تو دادم. دیگر هیچ آرزویی ندارم. این را می‌گویند و سوار اتوبوس می‌شود تا به هتل بازگردد اما در همانجا می‌میرد و او را در قبرستان بقیع دفن می‌کنند.

دیوان شعرش در دست چاپ است

حسن خلق و تواضع مرحوم باقر متبحری بین دولایی‌ها زبانزد است و همه به خوبی از او یاد می‌کنند. او هم شاعر بوده و هم مداح اهل بیت (علیهم‌السلام). حاج جواد در موردش توضیح می‌دهد: «حاج باقر پسر عمه من بود و در هر مناسبتی فی‌البداهه شعر می‌گفت. او ۵۰ سال در این تکیه روضه می‌خواند و در واقع میرزای پدرم حاج احمد بود و در کنار حسابرسی امور دایه‌اش مداحی هم می‌کرد. حاج باقر قصیده‌های بلند می‌گفت و تخلصش «دلجو» است. بچه‌هایش برای چاپ دیوان شعر او اقدام کرده‌اند.» حاج جواد متبحر از پسر عمه‌اش خاطرهای تعریف می‌کند با این مضمون: «حاج باقر همراه دولایی‌ها به مشهد رفته بود و در انجمنی چند بیت در مدح حضرت علی (علیه‌السلام) می‌خواند و مورد تشویق حضار قرار می‌گیرد و به او انگشتر حدید و عبا هدیه می‌دهند.»

خاندان متبحری پنج نسل است کلیدار تکیه چال دولاب هستند

تکیه‌ای به قدمت هفت قرن

مزگان مهرابی

اینجا تکیه چال است که بیش از هفت قرن است میزبان عزاداران حسینی است. به گفته مورخین، تکیه چال یکی از قدیمی‌ترین تکیه‌های پایتخت است که بسوی اصالت می‌دهد. باصفاست و هر تازه‌واردی با پا گذاشتن به آن، سبکبالی را حس می‌کند. از خشت خشت این بنای قدیمی زرمه آدم‌هایی به گوش می‌رسد که بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی ایران را رقم زده‌اند. گروه فدائیان اسلام به ویژه نواب صفوی، حاج آقا حق‌پناه، مرحوم کافی و خیلی از فعالانی که کمر همت به مبارزه با شاه برای برپایی حق و اسلام بسته بودند در این تکیه حضور داشتند. روی منبر هفت پله‌اش افرادی چون حاج اسماعیل دولابی و شیخ علی متبحری سخنرانی کرده‌اند که هر کدامشان گنجینه‌ای برای اسلام بودند. تکیه چال چند صد سال است توسط خاندان متبحری اداره می‌شود. این خدمتگزاری از حاج کریم بوده و به ترتیب به حاج فتحعلی، کربلایی کاظم و حاج احمد رسیده و حالا هم حاج جواد متبحری این مسؤولیت را برعهده دارد.



کسی که سنگ بنای ساخت حسینیه را گذاشت

حاج احمد متبحری وقتی مرحوم شد ۷۴ سال داشت. او از همان دوران جوانی‌اش حساب و کتاب حسینیه تکیه چال را برعهده گرفت و به قول معروف متولی آن شد. در مورد اینکه چطور شد حاج احمد بانی ساخت حسینیه تکیه چال شد، پسرش می‌گوید: «تا سال ۱۳۳۳ تکیه چال به صورت چادر بود که در ایام محرم و صفر برپا می‌شد. تا اینکه پدر به دولایی‌ها اعلام کرد که می‌خواهد حسینیه بسازد و از آنها خواست او را در این امر یاری کنند. مردم بسیج شدند و خیرین کمک کردند. از طرفی پدرم فرد با نفوذی بود و توانست از بعضی دولتمردان هم کمک بگیرد و اینجا را بسازد.»

بایگهای در خدمت نهضت

تاریخ فعالیت‌های تکیه چال را که مرور کنید به خوبی دست‌تان می‌آید که اینجا یکی از پایگاه‌های شکل‌گیری انقلاب بوده. حاج جواد متبحری در این زمینه می‌گوید: «در همین جا نوار سخنرانی امام خمینی (ره) تکثیر می‌شد. شیخ احمد کافی صمیمیت خاصی با پدرم داشت و از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۶ در همین تکیه چال منبر می‌رفت. کافی مریدان زیادی داشت. در اوج خفقان ستمشاهی در دوران مبارزات آنقدر جمعیت زیاد می‌شد که ما بیرون از تکیه فرش پهن می‌کردیم. حتی سال ۴۲ که هیچ هیأتی حق راه انداختن دسته سینه‌زنی نداشت اما پدرم این کار را کرد و عکس امام را جلوی نخل زد و در محله راه افتاد. سربازها و ژاندارم‌ها دسته را محاصره کردند. پدرم مرد با نفوذی بود و ما را فریاده داد.»

تالاری با سقف ضربی

معماری منحصر به فرد تکیه چال بیانگر این است که معمار آن در کارش مهارت خاصی داشته. این بنا با وسعتی نزدیک به ۶۰۰ متر مربع به گونه‌ای ساخته شده که هیچ ستون نگهدارنده‌ای ندارد. البته معمار این بنای قدیمی که حاج حسن قلیونی بوده برای این

کفشار آقا هستم

حاج جواد متبحری که ۵۳ سال دارد و از ۱۰ سال پیش رسیدگی به امور تکیه را برعهده دار شده، می‌گوید: «پدرم متولی اینجا بود و سال ۸۵ که مرحوم شد اهالی محله من را به جای او انتخاب کردند. من ۴۰ سال کنار دست پدرم آداب هیأت‌داری و رسیدگی به امور تکیه را یاد گرفتم.» این پیرغلام اهل بیت (علیهم‌السلام) که دفاتر حساب و کتاب تکیه را از سال ۱۳۳۳ در اختیار دارد و همه را بایگانی کرده، در ادامه می‌گوید: «این تکیه هیأت امنایی اداره نمی‌شود. شخصا برای کارها تصمیم می‌گیرم و هر کاری که صلاح باشد انجام می‌دهم و تا جایی که در توان دارم سعی می‌کنم بر این بوده که خواسته مردم را در نظر بگیرم.» هیأت‌داری او مثل پدرش دقیق و منظم است. کلامش نفوذ دارد و کارهای تکیه را خوب مدیریت می‌کند. او می‌گوید: «من در اینجا کفشارم و به این کار افتخار می‌کنم. خودم کیسه کفش دست مردم می‌دهم و در کنارش جارو هم می‌زنم.» به گفته این پیرغلام اهل بیت (علیهم‌السلام) تکیه چال موقوفات نداشته و هزینه هیأت با نذورات اهالی تأمین می‌شود؛ «در مکتب اهل بیت رعایت ادب شرط اصلی است. در اینجا سمت و منصب مهم نیست. همه با نیت خدمت به آقا کار می‌کنند.»



۱
۲
۳
۴

حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان، رشد انسان‌ها را منوط به مبارزه با سختی‌ها دانست و گفت: «تمام رشد انسان در گرو مبارزات است. اگر امروز شاهد بیداری اسلامی در کشورهای جهان هستیم حاصل مبارزات چندساله آنهاست. ما باید از این تهدید، فرصت بسازیم و این درگیری‌ها را برای خودمان تبدیل به بستری برای رشد کنیم تا بتوانیم اسلام ناب را به جهان معرفی کنیم».

حاجی مباحث

جوانی‌اش در جبهه‌های جنگ سپری شده و مدتی هم از همراهان شهید رجایی بوده. او که از شاگردان حاج منصور ارضی است، برای بسیاری از مداحان جوان حکم استادی دارد. در حوادث و اتفاقات مختلف انقلاب اسلامی برای دفاع از انقلاب و اعتلای ولایت‌مداری، فعالیت‌ها در میدان‌های مختلف حضور داشته و نامش در خط مقدم بصیرت‌افزایی در هیأت‌های مذهبی است. درباره نسبت سیاست با مداحی همیشه دغدغه داشته و موضع‌گیری‌های حساب شده‌ای از خود نشان داده که برخی مواقع هم جریان‌ساز شده. حاج حسین سازور ۵۶ ساله اعتقاد دارد باید به فرمان ولایت عمل کرد و نمی‌توان مداح بود و کاری به استکبار و روشنگری برای بصیرت مردم نداشت. ساعتی با او در حسینیه موج‌الحسین (علیه السلام) به گفت‌وگو نشستیم تا از دغدغه‌هایش برایمان بگوید.

حسین سازور در گفت‌وگو با «چهارده»:

به انقلابی‌ها نگوید تندرو

مجتبی برزگر



● **بحث استاد دیدن در نسل جدید این روزها خیلی مطرح می‌شود. اصولاً شاگردی کردن و یادگیری را برای یک مداح تا چه حد ضروری می‌دانید؟**

در مداحی به کسی که ۷۰ سال برای اهل بیت (علیهم‌السلام) نفس زده لفظ استاد اطلاق می‌کنند. اگر کاری انتها داشته باشد استادی دارد ولی کاری که انتها ندارد، همه در آن شاگردند. ذاکری اهل بیت حد ندارد و نمی‌توانیم بگوییم کسی در این عرصه استاد شده. به خصوص ذاکری امام حسین (علیه السلام) که بخشی از آن حرکت مطابق با روز است. البته ممکن است اشخاص در زمانه خودشان استاد باشند اما اینکه مداحان نسل جدید ما برای کسب تجربه به یادگیری و استاد نیاز دارند کاملاً منطقی و اصولی است چراکه برای صعود به قله باید پلکانی مسیر را طی کرد و پله اول یعنی شاگردی. هیچ کس نمی‌تواند در مداحی کردن به قله توجه نکند. چون قله ستایشگری سیدالشهداست. هر کسی هم که اوج گرفته اوجش به نوک قله نیست. چون یک بخش عمده آن با زمان جلو می‌رود. به همین خاطر همگان نیاز دارند همواره بیاموزند؛ از مداحی که یک روز به ستایشگری می‌پردازد گرفته تا کسی که ۷۰ سال نفس می‌زند. چون امام حسین (علیه السلام) حد ندارد و همه در این دستگاه شاگردند.

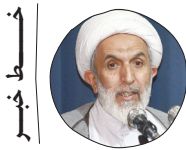
● **چطور یک مداح به جایگاه نوکری می‌رسد؟**

دستگاه امام حسین (علیه السلام) منطقی دارد که ابتدا بالاترین درجه را به مداح می‌دهند. هر چه سال‌های ستایشگری مداح افزایش پیدا کند، درجات را هم از او می‌گیرند. آنقدر درجاتش را می‌گیرند تا به غلام تبدیل می‌شود. چون ۷۰ سال از عمر نوکری‌اش می‌گذرد به او «پیرغلام» می‌گویند. پیرغلام کسی است که سیدالشهدا (علیه السلام) تمام درجات دنیایی را از او گرفته و آن حضرت به او نزدیک می‌شود. لذا پیرغلامان امام حسین دعا می‌کنند و مستجاب می‌شود. امتیازات آنها پنهان است چون ظواهر را از دست داده‌اند. مداحان جوان بدانند هر چه دارند ظاهر است. اگر در جوانی ارزش‌های باطنی به دست آورند، در واقع به ارزش‌های پنهان پیرغلامی دست یافته‌اند. این موهبت ارزشمندی است.

● **چرا هیأت‌ها بیشتر مداح‌محور شده‌اند تا واعظ‌محور؟ اصلاً مداح‌محور یا واعظ‌محور بودن هیأت‌ها چه آثار و تبعاتی دارد؟**

امروز در جامعه فقر منبر داریم؛ منبری که بتواند مستمع را راضی کند چراکه مستمع امروز ما مستمع ۳۰ سال پیش



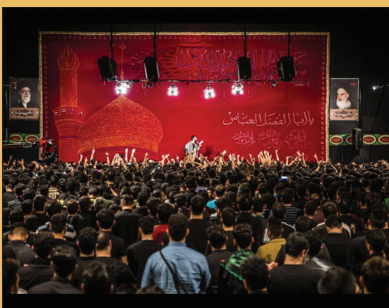
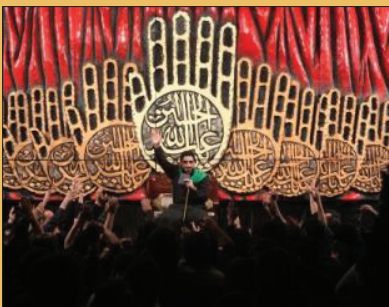


حجت‌الاسلام مهدی طائب در مراسم بزرگداشت نهم دی گفت: «نتیجه گوش کردن مردم به حرف امام عج تشکیل جمهوری اسلامی در سال ۵۷ شد. امام فرمودند ما یک هدف داریم و آن آماده کردن کشور برای ظهور امام زمان عج است. شما وقتی به میدان بیاید باز هم همان کَره الکافرون می‌آیند. اولین کاری که کردند ترورها بود. شهید مطهری و شهید مفتاح قبل از تحمیل جنگ شهید شدند. جنگ را تحمیل کردند اما نتوانستند امام عج را بزنند».



منبری اهل مطالعه موفق است

گاهی اوقات وقتی یک منبری منبر می‌رود ۱۰۰ نفر پای منبر او می‌نشینند ولی وقتی فلان مداح می‌خواند ۵۰۰ نفر پای منبر می‌آیند. این اشکال است. اطلاعاتمان خیلی کم است و نیاز به منبر داریم ولی گاهی پای برخی منبرها خلوت است و در مقابل از مداح و روضه استقبال می‌کنند. چرا این اشکال به وجود آمده؟ این حرفی است که مقام معظم رهبری به چند نفر از آقایان گفتند و برخی هم گلایه کردند این همه تلاش می‌کنیم برای تربیت طلبه‌ها اما سرانجام این طور به نتیجه می‌رسیم که استقبال به مداحان بیشتر است. بروید دنبال چرایی آن. اگر یک منبری پر مطالعه باشد و در میان مردم از محبوبیت برخوردار باشد مردم هم از او استقبال می‌کنند. منبری موفق با مستمع از تباطخ خوبی برخوردار می‌کند. یعنی مخاطبش را می‌شناسد و درک می‌کند به چه چیزی نیاز دارد.



کسانی که موضع انقلابی می‌گیرند تندرو می‌گویند! ما به این تعبیر کاری نداریم. ما وظیفه‌مان را انجام می‌دهیم. وظیفه بنده این است از این تربیون برای امام حسین عج انقلاب و اعتلای دین خدا استفاده کنیم. وقتی عده‌ای مردم را با دروغ‌پردازی‌هایشان از مسیر انقلاب گمراه می‌کنند، باید موضع‌گیری کنیم. چطور هر کسی می‌تواند در حوزه دین اظهار نظر کند ولی ما نمی‌توانیم اظهار نظر کنیم! امروز اگر کسی نتواند خودش را با فرامین و نظرات حضرت آقا وفق دهد به جهنم رهنمون خواهد شد چراکه دنیای استکبار امروز اعتراف کرده که این سید تنها جلوی ما ایستاده.

● جلسات هیأت شما در اتفاقات سال ۸۸ به ظن بسیاری در راستای بصیرت‌افزایی جامعه تأثیرگذار بود. به نظر شما در وهله اول ساکت فتنه یعنی چه و چرا به امثال شما واژه کاسب فتنه اطلاق می‌کنند؟

خیلی از کسانی که اکنون ادعا دارند و الان برای ایام نهم دی سینه چاک می‌کنند در روزهای اول برای مقابله با فتنه هیچ کاری انجام ندادند. حرفم این است که با فتنه مقابله شد و مردم پای کار آمدند و حماسه نهم دی به وجود آمد. هر ساله هم برای آن روز بزرگ سالگرد و پاسداشت برگزار می‌کنند اما اعتقاد دارم نباید زیاد خودمان را اسیر نهم دی کنیم و مراقب باشیم که فتنه‌های دیگر در راه است. ما باید جلوتر از فتنه‌گران حرکت کنیم. هشدارهایی که حضرت آقا می‌دهند و با اشاره به فتنه ۸۸ می‌فرمایند حواستان را جمع کنید و از آن فتنه برای جلوگیری از فتنه‌های بعدی درس بگیرید. یک عده‌ای را هم در جریان فتنه ۸۸ ساکت فتنه اطلاق کردند. توفیق موضع‌گیری به نفع جمهوری اسلامی از اینها گرفته شد. چند دفعه حضرت آقا فرمودند خواص موضع شفاف بگیرید. کدام‌یک از این فرمایش تبعیت کردند؟ می‌دانید چرا موضع‌گیری نکردند؟ یک علت داشت: اسیر دنیا بودند. کسانی که در فتنه موضع‌گیری نکردند یک دلیل مشترک دارد. آنها خودشان را به پول و منصب یا تعلقات دنیایی و فکری فروخته بودند. دنیا اینها را اسیر کرده بود.

● شما در اداره هیأت موج‌الحسین عج به یک سری از قواعد پایبند هستید که در نوع هیأت‌داری یک الگو محسوب می‌شود؛ چه از حیث تلاوت قرآن، اهمیت منبر، روضه‌خوانی سنتی و چه نظم جلسه و توجه به جوانان. علت اهمیت دادن به این مسائل چیست و چه اثراتی دارد؟

وقتی یک منبری در هیأت با محتوا و علم زیاد به وعظ می‌پردازد تازه می‌فهمیم خیلی از نکات رانمی‌دانستیم خدا رحمت کند حجت‌الاسلام سیدعلی نجفی را مطابق او ندیدم. وقتی پای منبرش می‌نشستیم می‌فهمیدیم چقدر تهی هستیم و الان جای خالی او را احساس می‌کنیم.

نیست که فقط گوش باشد. مستمع امروز هم گوش است و هم زبان. اگر یک روحانی فاضل عالم خوش‌بیان، پر مطالعه و عالمانه منبر برود مستمعین پرشور از او استقبال می‌کنند و کاری ندارند بعد از او قرار است چه کسی مداحی کند. آنجا که منبری نمی‌تواند رسالت وعظ خود را درست انجام دهد مردم به سمت مداحی سوق پیدا می‌کنند. الان در کشور به ندرت منبری یافت می‌شود که مستمع را سراپا گوش در پای منبر نگه دارد. امروز چیزی که مردم نیاز دارند کمتر از زبان منبری‌ها بیرون می‌آید. بسیاری به ما خرده می‌گیرند که چرا شما در جریان مداحی صحبت هم می‌کنید. ما بعضی از آگاهی‌ها را می‌دهیم. چون دیگران مستمع را نسبت به این مجهولات آگاه نمی‌کنند. ما در این زمینه احساس وظیفه می‌کنیم. به اعتقاد بنده این کار منافاتی با منبر ندارد. چه بسا منبری خلأهایی را که یک مداح دارد پوشش می‌دهد و مداح هم به یاری منبر می‌آید. در واقع مداح و منبری باید تکمیل‌کننده یکدیگر باشند. من اگر هنگام مداحی مسایل سیاسی روز را بازگو می‌کنم و در جهت بصیرت‌افزایی و روشنگری جامعه موضع‌گیری دارم برای این است که در منبر این کمبود را داریم.

● چرا بعضی منبری‌ها کمتر به این موضوع توجه دارند؟

شاید اصلاً دغدغه‌شان نیست. بسیاری اعتقاد دارند اگر فقط به بیان مسایل اخلاقی بپردازند کفایت می‌کند و می‌گویند حرف‌های سیاسی را باید به سیاسیون واگذار کنیم! این طور نیست. دشمن برای توسعه کفر خودش از هر راهی استفاده می‌کند و چرا ما در این زمینه عقب بمانیم. ما با چه زبانی بگوییم به تعبیر امام عج تمام اسلام سیاسی است. کسانی که هنوز استخاره می‌کنند که یک مطلب سیاسی بگویند به این فرمایشات توجه کنند. بنابراین تفکیک میان منبر و مداحی غلط است و هر کس باید در جایگاه خودش به وظیفه و رسالتش عمل کند. اگر یک منبری نتواند رضایت مستمع را جلب کند، تکلیف مداح سنگین‌تر می‌شود. اگر واعظی توانست مسایل سیاسی، اجتماعی، اخلاقی را هنرمندانه و عالمانه بیان کند کار مداح ساده‌تر خواهد شد.

● متأسفانه بعضی از مداحان برای گرفتن اشک مستمع برخی روضه‌ها را تحریف می‌کنند. به نظر شما برای حل این مشکل و مستند کردن روضه‌ها چه باید کرد؟ کسی منکر این نیست که برای بیان روضه باید استناد داشته باشیم. ما چند نوع مقتل داریم. یک مقتل داریم که مداح می‌خواند و بیان می‌کند. مثل مفاهیمی که از مجموعه‌های منتهی‌الأمال، لهوف، مقتل الحسین ... استفاده می‌کنند. گاهی یک مقتلی را مداح می‌شنود و آن را بیان می‌کند. بعضی اوقات هم روضه‌خوان استنباط می‌کند. کثرت روضه‌خوانی و مطالعه، مداح با تجربه را به اینجا می‌رساند. یک روضه را در ۱۰ مقتل و قالب جداگانه به صورت استنباطی مفاهیم ناب را استخراج می‌کند. این هم برای کسانی است که ید طولایی در روضه‌خوانی دارند. یک مقتل هم به معصوم اختصاص دارد. امام زمان عج در ناحیه مقدسه روضه می‌خواند. قطعاً روضه‌خوان خارج از این مقاتل نباید روضه بخواند. ما مداحان و ذاکران باید روضه مستند بخوانیم. چون مستمع امروز هم می‌شنود و هم پرسشگری هوشمند است.

● شما جزو ذاکرانی هستید که به انقلابی خواندن و اجرای منویات مقام معظم رهبری روی منبر مداحی اعتقاد ویژه‌ای دارید اما عده‌ای می‌گویند زبان حاج حسین برای نقد و امر به معروف به راهبرد و روش‌های مسؤولان تند و تیز است. این زبان چگونه باید این منویات و مفاهیم و امر به معروف را انجام دهد؟

پاسخ شما را حضرت آقا اخیراً دادند. ایشان فرمودند چرا به



۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱

حجت‌الاسلام مصطفی کرمی در جلسه هفتگی هیأت بین‌الحریمین گفت: «فهمی بزرگترین درد یک لسان است. برای همین خدا در قرآن می‌فرماید اگر خدا بخواهد نعمتی را بر بندش تمام کند فهم دین به او می‌دهد خیلی از کارهایی که انجام می‌دهیم غلط است و بر سر این اعتقالات غلط با دیگران در جنگ هستیم و فکر می‌کنیم جهاد می‌کنیم»

هیأت
بستر خیریه



مؤسسه خیریه
امدادگران عاشورا
شماره ثبت: ۸۴۴

وقتی مردم دیدند کسانی که تا دیروز در جبهه‌های حق علیه باطل دست به کارهای بزرگ زده‌اند و امروز هم به این میدان آمده‌اند، همکاری جدی تری را با خیریه آغاز کردند. نصرالله فتحیان در این خصوص می‌گوید: «بخشی از مشکلات این افراد پزشکی است و بخشی نیز از جهت روانی و مالی آسیب‌پذیرند و تغذیه مناسبی ندارند. به همین دلیل وقتی اعتماد میان مردم و جامعه پزشکی کشور شکل گرفت، تهیه سبب از زاق در طول سال و گاهی به طور روزانه و به مناسبت‌های مختلف با رعایت کرامت انسانی رخ نشان داد». فتحیان به نقل از یکی از همکارانش تعریف می‌کند: «یک روز در دفتر کارم نشسته بودم و یکی از همکاران مقداری نان و پنیر آورد و روی میز گذاشت و گفت باور می‌کنید که دیگر حتی توان خرید همین نان و پنیر را نیز نداریم! همان روز مقداری گوشت و روغن و... به او کمک کردیم. از آن روز به بعد هر روز مقداری نان و پنیر برای صبحانه میان مددجویان توزیع می‌شود».



ماجرا چیست؟
عده‌ای از رزمندگان بهداری جبهه در روزهای بعد از دفاع مقدس تصمیم گرفتند هیأتی راه‌اندازی کنند. بعد هم خیریه هیأت برای کمک به بیماران نیازمند و صعب‌العلاج شکل گرفت و هنوز فعالیت‌هایش ادامه دارد.

کوتاه درباره خیریه حامی بیماران نیازمند که از درون هیأت شکل گرفته امدادگری هنر عاشورا ایان است

ترنم صادقی

با کوله‌باری از تجربه و امدادگری از پشت خاکریزها برگشته بودند؛ کوله‌باری که شهادت‌طلبی و ایثارگری چاشنی اصلی‌اش بود و همین روحیه آنها را بر آن داشت تا هیأتی را با نام حضرت فاطمه زهرا (ع) تشکیل دهند و هر هفته برای حفظ آرمان‌های انقلاب اسلامی و شهدا هم‌بیمان شوند. این جمع صمیمی که محفلی برای گرهمایی بیشتر فرماندهان و پزشکان دوران دفاع مقدس بود، تصمیم گرفتند از دل هیأت، خیریه‌ای راه‌اندازی کنند؛ خیریه‌ای که هدف آن کمک به بیماران نیازمند و صعب‌العلاج است و نام امدادگران عاشورا روی آن خودنمایی می‌کند. اکنون بیش از ۱۴ سال از تأسیس خیریه امدادگران عاشورا می‌گذرد. با نصرالله فتحیان مدیریبت این هیأت و مدیر عامل مؤسسه خیریه امدادگران عاشورا درباره چند و چون فعالیت این خیریه گفت‌وگو کرده‌ایم.



نقطه آغاز

۱۳ استان هیأت امنای مستقل دارد و افراد سرشناس از جمله نماینده ولی فقیه و معتمدین جامعه پزشکی در استان مربوطه عضو هیأت امنا بوده و بر عملکرد خیریه‌ها نظارت دارند. مدیرعامل مؤسسه می‌گوید: «اکنون پنج سال است که خیریه امدادگران عاشورا به عنوان انجمن ملی مورد تشویق قرار می‌گیرد و به دنبال آن است تا بتواند با ثبت خیریه در خارج از کشور فعالیت‌های خود را گسترش دهد».

کسی ناامید بر نمی‌گردد

در این خیریه تناسب جالبی از جنس قطره و دریا برقرار است. خیریه امدادگران عاشورا قطره‌ای از دریای پرفیض و مکتب بی‌نهایت حضرت فاطمه زهرا (ع) است که به جوشش درآمده و تا امروز به برکت همان هیأت و یاری اهل بیت عصمت و طهارت (ع) برای کمک به نیازمندان بیمار به خیریه رونق بیشتری بدهد. آن زمان که بیمار درد کشیده و رنجوری دست‌انگشت خود را از فراز ناامیدی‌ها به سوی تکیه‌گاهی بلند می‌کند رهروان عاشورایی با اراده از جنس مکتب حسینی و با گام‌های استوار به سوی او می‌شتابند شاید گرهی از کار او بکشایند و در گنجینه دل‌هایشان آنقدر شوق و طراوت هست که بیماران را با قلبی شکسته و دست‌های خالی سرشار از امید کنند. اینها طیبیند اما نگاه طبیعانه‌شان بیش از آنکه بوی مداوا بدهد، عطر خلوص دارد. نسخه‌هایشان ترجمان «یا مَنْ اِسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ» است. کارشان فقط درمان نیست بلکه سامان ناامیدی‌هاست.

چند سالی از پایان روزهای دفاع مقدس می‌گذشت که عده‌ای از رزمندگان تصمیم به راه‌اندازی هیأت حضرت فاطمه زهرا (ع) گرفتند. نصرالله فتحیان در این زمینه می‌گوید: «بسیاری از این رزمندگان، پزشکان و فرماندهان دوران دفاع مقدس بودند و همگی از اینکه برخی بیماران به دلیل فقر نمی‌توانند مسیر درمان را به خوبی طی کنند رنج می‌کشیدند. هیأت تشکیل شد تا در بستر فعالیت مذهبی، به رسالت فقرزایی پزشکی و درمانی بپردازد. بعد از مدتی با تصمیم دوستان و با توجه به دغدغه درمان بیماران نیازمند، در سال ۸۱ خیریه‌ای با همین عنوان به ثبت رسید و با حضور متخصصین رشته‌های مختلف پزشکی که در دوران دفاع مقدس گام‌های مؤثری را برای بهبود وضعیت پزشکی و درمانی رزمندگان جنگ برداشتند فعالیت خیریه آغاز شد. قرار گذاشتیم مؤسسه کاملاً غیرسیاسی و غیردولتی اداره شود و هم‌بیمان شدیم که تا آخر عمر همه ظرفیت‌ها، تخصص‌ها، ارتباطات و منابع مالی را روی هم بگذاریم و برای اقشار محروم به کار ببندیم. ابتدا به صورت محدود در چند استان کشور فعالیت داشتیم اما اکنون هیچ محدودیتی نداریم و در تمام کشور به نیازمندان خدمت‌رسانی می‌کنیم».

چشم‌انداز؛ ثبت در خارج از کشور

خیریه امدادگران عاشورا متوسلین به حضرت فاطمه زهرا (ع) در



حجت‌الاسلام والمسلمین کاظم صدیقی در مراسم بزرگداشت آیت‌الله میرزا احمد سیبویه در مسجد امام حسین (علیه السلام) نجات یک نفر را احیای یک نسل دانست و گفت: «روایت است اگر کسی را از مرگ نجات دهیم در پرونده ما نوشته می‌شود یک نسل را احیا کرده‌ایم. امام صادق (علیه السلام) فرموده: «فقط احیای بدنی نیست و اگر یک نفر را از گناه نجات دهیم، یک نسل را از گناه نجات داده‌ایم». مرحوم سیبویه این گونه بود و تسلط عجیبی به متون دعا داشت و یک انسان تربیت شده مکتب اهل بیت (علیهم السلام) بود و تا بود رونق بود و چراغ و راه و راهنما بود».



محمدجواد غفورزاده:

شعر آیینی نیازی به خیال پردازی ندارد

یاسین سجادی



وقتی چشمانش به حرم امام رضا (علیه السلام) افتاد ناخودآگاه شعری را سرود که بعدها بسیاری از مداحان آن را خواندند: «دوباره آمده‌ام تا دوباره در بزمن / کبوترانه در این آستانه پر بزمن...» یا شعری که آنقدر معروف شد که گل سرسید مجالس فاطمیه کشور شد: «بر حاشیه برگ شقایق بنویسید / گل تاب فشار در و دیوار ندارد...» استاد محمدجواد غفورزاده متخلص به «شفاق» سال‌ها در کسوت ریاست اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی و مسوول انجمن ادبی رضوی گام‌های مؤثری برای تربیت و پرورش شاعران جوان آیینی برداشته. او که این روزها دهه هفتم عمرش را سپری می‌کند از دوران دبیرستان شعر گفته و کم‌کم سرایش شعر بخشی از زندگی‌اش شده. با این شاعر دوباره شعر آیینی، شعر هیأت و شعر رضوی گفت‌وگو کرده‌ایم که خواندنش برای هر مخاطبی جذاب است.

خیلی تفاوتی ندارد. در هیأت هم همان اشعار آیینی خوانده می‌شود. حالا اگر شعر خوب خوانده نمی‌شود ربطی به شاعر ندارد و این مداح است که شعر را با سلیقه خودش انتخاب می‌کند.

اصلا تعریف استاد شفاق از شعر آیینی چیست؟

شعر آیینی شعری است که در زمینه مسایل مربوط به آیین و روش معصومین سروده می‌شود. شعر صائب تبریزی نمونه بارز یک شعر آیینی است. شعر آیینی خوب، مضامین اجتماعی مورد قبول و

اگر اجازه دهید گفت‌وگو را از مدیحه‌سرایی آغاز کنیم به نظر شما ویژگی‌های یک مدیحه خوب چیست؟ شعر باید قابل قبول و با ادبیات سالم باشد و شاعر سعی کند در اشعار خود از مفاهیم و محتوایی بهره ببرد که به فضایل شخصیت معصومین (علیهم السلام) نزدیک باشد. در این صورت شعر به جامعیت و تکامل می‌رسد.

در جامعه شاعران میان شاعران آیینی و هیأت تفاوت قائل می‌شوند. آیا این وجه تمایز میان این دو قشر ضرورت دارد؟

موردپسند را با قدرت و صداقت به سمع و نظر مخاطب می‌رساند. یک شاعر آیینی باید مسایل مربوط به آیین و اعتقادات مذهبی مردم را با زبان گویا و حقیقت‌طلبی مطرح کند. گاهی اوقات این اشعار به مدح، غزل، مرثیه و پند و اندرز تبدیل می‌شود. به نظرم شعری به عنوان شعر هیأت نداریم. در هیأت هم می‌توانیم از اشعار ساده و غزل استفاده کنیم. در بخش نوحه‌خوانی و سینه‌زنی هم می‌توان از اشعار آیینی محکم، سنگین و با چارچوب بهره برد. البته برخی از سلاقی نادرست پای شعرهای سبک و سطحی را به هیأت باز می‌کنند که این هم به عدم تسلط مناسب آن مداح روی ادبیات آیینی برمی‌گردد.

به نظر شما حضور شاعران در هیأت چه تاثیری روی شعر آنها دارد؟

وقتی شاعر به هیأتی می‌رود و شعرش را با نوای زیبایی می‌شنود و تأثیرش را روی مردم می‌بیند به وجد می‌آید چراکه این نوع بازخورد، تشویق معنوی برای اوست که شعر را سرود.

به نظر می‌رسد استقبال شاعران جوان به شعر آیینی گسترده‌تر شده. نظر شما در این زمینه چیست؟

خوشبختانه به دلیل علاقه و شوق به سرودن اشعار آیینی و اهل بیته، بیش از یک دهه است شاعران جوان خوش‌ذوق احساس کرده‌اند که باید در این زمینه فعالیت کنند. باید این استقبال را به فال نیک گرفت. اگر آنها از دوران جوانی پشتکار داشته باشند و سطح اطلاعات ادبی‌شان را بالا ببرند، با شناخت مناسب از جامعه و نیازمندی‌ها شعر می‌سرایند.

با این حساب چه آسیب‌هایی شعر آیینی را تهدید می‌کند؟

باید شاعران ما از اینکه زبان شعرشان کوچه و بازاری باشد و از ادبیات سنگین و اصلی ما فاصله بگیرد بپرهیزند. در واقع باید اشعار آیینی محتوا داشته باشند و نیاز به خیال‌پردازی نباشد. به عبارت بهتر در سرودن غزل‌های آیینی نیاز به خیال‌پردازی نیست و همین واقعیت‌هاست که اشعار آیینی را زیبا می‌کند.

یکی از توفیقانی که نصیب هر کس نمی‌شود همجواری با امام رضا (علیه السلام) است. چقدر این همجواری در غنی کردن و تأثیرگذاری هرچه بیشتر اشعار شما تأثیر داشته؟

این همجواری در بسیاری از دوستان و شاعران خراسانی تأثیر داشته و دارد. قطعاً وقتی زیر سایه حرم امام رضا (علیه السلام) باشی بسیار تأثیرگذار است.

شعری بوده که با نگاه به مضمون شریف امام رضا (علیه السلام) به ذهن تان متبادر شده باشد؟

بله، شعری بود که خیلی هم گل کرد و در مجالس و محافل مذهبی بسیار خوانده شد: «دوباره آمده‌ام تا دوباره در بزمن / کبوترانه در این آستانه پر بزمن...» در بسیاری از مواقع شعر تأثیرگذار منوط به شرایط و محیط است.

عنايتی را از امام رضا (علیه السلام) با چشم خودتان دیده‌اید؟

بسیاری دنبال این هستند که بگردند و معجزه

پیدا کنند چراکه کرامت امام رضا (علیه السلام) مداوم است. حالا اگر ما ندیده‌ایم این نیست که آن حضرت عنایتی نداشته است.

انجمنی که در حرم مطهر رضوی دایر کرده‌اید از بهترین و پربرترین جلساتی است که در حوزه شعر آیینی وجود دارد. درباره این انجمن و رمز موفقیت آن توضیح می‌دهید؟

نخستین رمز موفقیتش اساتیدی بوده که در آن حضور پیدا می‌کنند. مزیت دیگر برپایی این انجمن‌ها که مورد تشویق مقام معظم رهبری هم بوده این است که جوانانی که شوق همراهی در این مسیر را دارند وارد این انجمن می‌شوند.

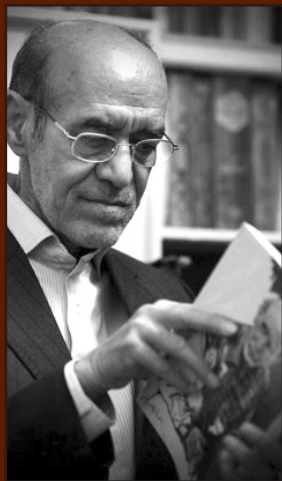
شاعران جوان چگونه باید به تناسب شرایط امروز جامعه عرصه سراییدن شعر را دنبال کنند؟

باید با ادبیات آشنایی جامعی داشته باشند. بدانند ادبیات کلاسیک از رودکی شروع می‌شود تا به روزگار حافظ، سعدی، ملکالشعرا بهار، پروین اعتصامی و شهریار می‌رسد و تا امروز و شعری معاصر ادامه خواهد داشت. دوستانی که مطالعه ادبی‌شان محدود است، هرچه مطالعه‌شان را افزایش دهند قطعاً زبان شعری‌شان ارتقا پیدا می‌کند. از طرفی با شعر و ریزه‌کاری‌های آن بیشتر آشنا می‌شوند.



گل تاب فشار در و دیوار ندارد

باری ز که جویم، دل من بار ندارد
یک مجرم و راز نگه‌دار ندارد
باید که گذارش طرف چاه بیفتد
یوسف که در این شهر خریدار ندارد
در حاشیه برگ شقایق بنویسید
گل تاب فشار در و دیوار ندارد





همزمان با ۲۳ ربیع الاول سالروز ورود حضرت معصومه (ع) کاروان نمادین آن حضرت از مسیر میدان معصومیه قم تا حرم بانوی کرامت حرکت کرد. در این مراسم حجت الاسلام سیدحسین مؤمنی سخنرانی کرد و حاج احمد واعظی و حاج سیدمهدی میرداماد به مداحی پرداختند.

نشانه

داریم با «حسین حسین» پیر می شویم...

یکی از سنت‌های زیبای هیأت‌های قدیمی گرفتن عکس یادگاری با کتیبه و پرچم هیأت بوده که در این سال‌ها فراموش شده. پیشنهاد می‌کنیم دست به کار شوید و پس از پایان مجلس تان یک عکس یادگاری دسته‌جمعی بگیرید و برای «چهارده» ایمیل کنید تا در همین صفحه منتشر شود.

qudsonline14@gmail.com

سجده شریف

چه نوع لباسی بپوشیم؟

روایت شده که اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) پرسید آیا رواست مؤمن ۱۰ پیراهن داشته باشد؟ امام فرمود آری. پرسید ۲۰ پیراهن چطور؟ امام فرمود آری اینها اسراف نیست بلکه اسراف این است که پیراهن مجلس رسمی را پیراهن کار قرار دهی. دغدغه‌های این شکلی درباره لباس پوشیدن و آداب پوشش هیچ‌وقت تمام نمی‌شود. پس بهتر است اصول خودتان را خیلی زود و عمیق مشخص کنید. آیت‌الله جوادی املی در کتاب «مفاتیح الحیاه» از قول امیرالمؤمنین (ع) آورده: «هر کس به ادامه زندگی علاقه‌مند است، کفش خوب و لباس راحت و سبک بپوشد». نقل دیگری از آن حضرت وجود دارد با این مضمون: «لباس زیبایی را نمایان می‌سازد. لباس پاکیزه غم و اندوه را می‌زداید و برای نماز لازم است». در همین کتاب از قول امام صادق (ع) آمده: «پس از استحمام، هنگام پوشیدن لباس بگو خدایا لباس تقوا به من ببوشان و مرا از بدی دور کن. هرگاه چنین کردی از هر دردی در امانی». شاید با خودتان فکر کنید درباره لباس‌های عجیب و غریب و نامتعارف این روزها توصیه‌ای وجود نداشته اما رسول اکرم (ص) انگشت‌نما شدن در هر دو سو (افراط و تفریط) را نهی کرده و فرموده: «افراط در نازکی، نرمی و بلندی لباس است و تفریط در ضخامت، زبری و کوتاهی آن». آن حضرت همچنین فرموده: «لباسی را که در زیبایی یا زشتی شهرت دارد نپوشید. هر کس لباس شهرت بپوشد، خدا از او رویگردان شود تا وقتی آن را کنار نهد. هر کس در دنیا لباس شهرت بپوشد خدا روز قیامت لباس ذلت بر او بپوشاند».



[عکس یادگاری: هیأت انصارالحسین (ع) مسجد موسی بن جعفر (ع) تهران]

پیشرو

مجلس

شرح صحیفه سجادیه را بشنوید



چهره حجت‌الاسلام جواد حاج‌علی‌اکبری را سال‌ها پیش در بین مردان دولت وقت دیدم؛ روحانی جوانی که روزگاری رئیس سازمان ملی جوانان و حالا رئیس سازمان امور رسیدگی به مساجد است و با سخنرانی‌های دلنشین و لحن شیرین و نرمش از اعطای محبوب پایتخت محسوب می‌شود. او این روزها در مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی (سرچشمه) صحیفه سجادیه را شرح می‌دهد و تفسیر می‌کند. اگر دل‌تان می‌خواهد پای صحبت‌های او درباره آموزه‌های امام سجاد و اهل بیت (ع) بنشینید، دوشنبه‌های هر هفته ساعت: ۱۸:۳۰ به آدرس میدان بهارستان، نرسیده به چهارراه سرچشمه، انتهای خیابان صیرفی‌پور، مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی سر بزنید. متن جلسه‌های گذشته را هم می‌توانید در وبسایت sarcheshmeh.org بخوانید.

اپلیکیشن

«مهستان» را همراه داشته باشید

قدیمی‌های پاساژ مهستان می‌گویند خالصی، برهانی و مسعود دهنمکی سه نفری هستند که مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری این پاساژ و تبدیل آن به بورس اقلام مذهبی داشته‌اند. حتی زمانی دهنمکی در بالاخانه کوچک یکی از مغازه‌های طبقه دوم این پاساژ هفته‌نامه‌های معروف مثل «جهه» و «صبح دوکوهه» را برای انتشار آماده می‌کرد. کم‌کم این پاساژ به مرکز توزیع اقلام مذهبی و نوارهای مداحی تبدیل شد و هنوز از مشهورترین‌هاست. اپلیکیشن «مهستان» می‌تواند نسخه دیجیتالی همان پاساژ باشد که مجموعه‌ای از مداحی‌ها و سخنرانی‌های مذهبی است که براساس برجسب‌های موضوعی دسته‌بندی شده‌اند. مداحی‌ها و سخنرانی‌ها را می‌توانید دانلود یا به صورت آنلاین گوش کنید. همچنین می‌توانید از طریق تگ‌ها یا با فیلتر کردن نتایج با چند تگ مورد علاقه خودتان، به راحتی به موضوعات مورد علاقه‌تان دست پیدا کنید.



کتاب

فقط غلام حسین باش



حسین رفیعی رزمنده همدلی هشت سال دفاع مقدس است که سال‌های سال اهالی روستای حصارخان او را به «حسین غلام» جوان شرو و ناهل روستا می‌شناختند که شب و روزش با دعوا و کفتر بازی می‌گذشت اما حضور در جبهه و آشنایی‌اش با شهید علی چیت‌ساز او را تبدیل به «غلام حسین» کرده رزمنده شجاعی که پای ثبت نیروهای اطلاعات و عملیات سپاه انصارالحسین همدان شد کتاب «فقط غلام حسین باش» خاطره‌نگاری‌های همین رزمنده است. این کتاب در دو بخش «حسین غلام» و «غلام حسین» نوشته شده که بخش اول آن به معرفی دوران کودکی و نوجوانی حسین رفیعی می‌پردازد و لایه‌لای مرور زندگی پرفراز و نشیب او گریزی به خطرات شیطنت‌های دوران نوجوانی حسین در روستا هم می‌زند. اما فصل دوم این کتاب شروع تحول روحی حسین از پیروزی انقلاب و علاقه او به سپاه تا حضور در جبهه و آشنایی با شهید چیت‌ساز و در نهایت تغییر مسیر زندگی‌اش را شرح می‌دهد.

پایان

خداوندا آنچنان ایمانی به ما عنایت کن که خود را اسلام نشمریم و دین معنا نکنیم و نفسانیت خود را با رضایت تو اشتباه نگیریم. خداوندا معانی از واژه‌های خود دور افتاده‌اند و واژه‌ها، معانی واژگون یافته‌اند. معانی را به واژگان برگردان.

سید مهدی شجاعی



چهارده + ضمیمه هفتگی روزنامه قدس

ویژه هیأت‌ها و محافل مذهبی

مدیرمسئول و سردبیر: ایمان شمسایی

دبیر ویژه‌نامه: رضاصیادی دبیر تحریریه: زکیه سعیدی

طراح ناماره: محمد صدیقی

با همکاری موسسه فرهنگی هنری عقیق www.aghig.ir